

می گفت تو را اهل انشا در اولی منصب درستی با اهل انشا ای سرور امان محمد
و شایسته کبریا و صفت مفاد بر این تا بیرون در بیع مبتدات با خیرای انشا اهل انشا
و اهل انشا علیک لفظ انت مبتدات با خیر تو سرور او هر دو کوا و تو می نه غیر تو
سرور او نما بر تو در او عظمت در شرف پس این همه مستانه است تو را حق باقی است
بر بیع مبتدات را مصدر می بچین که مفرضه باشد یا موصول تو را لا یفرق تو را کفایت
و کعبه مفرضه است با جالبه میان مبتدات یعنی سرور او تر تو را که گفته است بیع
که رسول است بهر نفس با چیزی بر این قول است که لا مانع الی در در است مسلم
و ان می که لا مانع است از مناسبت تفریح الملک است لیکن لا مانع از حسن است بر سر
صفت طباق حضور صفا با فرستند بیع مفرغ علیها نیست بیع اهدا با از این بیع ضررا
که عطا کرده در زری که تو را الملک من است در نیست هیچ کس و بیع مفرغ مری با با کفایت
تو زری که تفریح الملک من است در نیست طباق هم در مفرغه اولی در هم در نایم مفرغ
اد است ظاهر است در این عطا گفته است با عطا که شکر و بر با موصوف عطا که
تولیف العبد بر ار عهده است با جیس بجز تو را لا یفرق فی لاد حق با مندر نصیب
لفظ اهل انشا لفظ در است مبتدات است بیع تو را لا یفرق الی ان گویند ضار و مری
با عظم با مری کلان با نسبت با بیعت او با بیع مفرغ ضار و مری گویند ضار و مری
با در عمل با اهل انشا ان گویند ضار و مری کلان عمل او ملک مری که بیع مری تو و مری در اند
از عذاب است همین عمل صالح است افضل تو اللهم ربنا انک الحمد ملایر
و السموات اربنا انک الحمد ملایر و السموات اربنا انک الحمد ملایر بعد اهل انشا
و اهل الکبری با عر الحمد لا سابع لما اعطیت و لا یفرق ذ الحمد
الحمد یعنی در بیع کبریا در در است از این معود در بیع العنه که رسول خدا در

بیع اهدا با از این بیع ضررا
بیع با مال بیع مفرغ مری
عده الامان با عطا که
بیع

اللهم ربنا انک الحمد ملایر و السموات اربنا انک الحمد ملایر بعد اهل انشا
لما صنعت لک و زینت برای انکفا و در سنی است و ملا لاد انک الحمد ملایر
سبحان ربی انک الحمد ملایر و ذلک انک الحمد ملایر
بیع اول و سکون و در مری است از بیع مفرغ مری من نهادن و کبر اول است سوره
سبحان ربی انک الحمد ملایر و ذلک انک الحمد ملایر
بر از بیع این همان در سندر که حکم مری است از عهده این عام چنین بیع مری اول
ضار بیع مری سبک و سبک است سبحان ربی انک الحمد ملایر و ذلک انک الحمد ملایر
بر از مری است از این معود در بیع العنه که رسول خدا است بیع مری با بیع
تو را و ذلک بیع در سنی ابوداود در در است بیع مری من معود در بیع العنه که رسول
اد و اول عدد سندن تسبیح سجود است اللهم اعوذ برضاک من
سخطک و بمعافاةک من عقوبتک و اعوذ بک منک لا
أخشی نقمًا علیک انک الحمد ملایر انک الحمد ملایر
بعد الحمد ربنا انک الحمد ملایر و السموات اربنا انک الحمد ملایر بعد اهل انشا
و ضار بیع در بیع مسلم در سنی از بیع مری است از حضرت عاتقه بیع در بیع
که رسول خدا در سجن این دعا می خواند که هر چه در این سابق نوشتی اللهم لک
سجدت و بک امتدت و لک استسجدت و بک استسجدت و بک استسجدت
حکمتک و صفتک فاخسن صورته فاخسن صورته و شق سمته
و کبره کبره انک الحمد ملایر انک الحمد ملایر
شیر از برین و از برین از با بیع تصویر صورت سبب سبب سبب سبب
نفر بیع در بیع مسلم در سنی ابوداود در بیع مری است از حضرت عاتقه بیع

Copyrighted by King Fahd University